

ساخت، اعتباریابی و رواسازی پرسشنامه حمایت اجتماعی
خانواده (مطالعه مقدماتی)

Preparing and Investigating The Reliability and Validation of
The Family Social Support Questionnaire (FSSQ)

M. K. Khodapanahi, Ph.D.

A. Asghari, M. A.

B. Saleh Sedghpoor, Ph.D.

J. Katebahi, Ph.D.

دکتر محمدکریم خدایناهی ✉

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

آرزو اصغری

دانشجوی دوره دکتری روان‌شناسی

دکتر بهرام صالح صدق‌پور

دانشگاه شهید رجایی

دکتر ژینا کتیبایی

دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت مقاله: ۸۷/۱۱/۱۲

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۶/۱۱

پذیرش مقاله: ۸۸/۷/۸

Abstract

The aim of the present study is preparing and investigating the reliability and validation of the family social support questionnaire in chronic patients. In order to achieve the aim, a questionnaire was developed based on literature and existing questionnaires in the field of social support. 256 (125 male and 131 female) married cancer patients were selected by random cluster sampling method from Imam Khomeini Hospital.

چکیده:

مطالعه حاضر با هدف ساخت، اعتباریابی و رواسازی پرسشنامه حمایت اجتماعی خانواده در بیماران مزمن انجام شده است. به منظور رسیدن به این هدف پرسشنامه‌ای بر اساس ادبیات نظری و پرسشنامه‌های موجود در زمینه حمایت اجتماعی تهیه شد. با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، نمونه ۲۵۶ نفری (۱۲۵ مرد و ۱۳۱ زن) از بیماران سرطانی متأهل بیمارستان امام خمینی انتخاب و پرسشنامه روی آنان اجرا گردید.

✉Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Tel: +9821-29902412
Fax: -
Email: m_khodapanahi@sbu.ac.ir

نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۴۱۲
پست الکترونیکی: m_khodapanahi@sbu.ac.ir

Applied methods were: Item analysis (discrimination coefficient, loop method), content validity and construct validity (factor analysis) and reliability of factors and total score. In factor analysis 4 factors (Emotional support, informational support, support seeking and instrumental support) were extracted. The reliability of the questionnaire was 0.97. Considering the results of this study, FSSQ has a good reliability and validity and factors can measure appropriately the family social support.

Key Words: reliability, validation, social support questionnaire, chronic patients.

پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. روش‌های به‌کار رفته شامل تحلیل گویه‌ها (ضریب تمیز و روش لوپ)، روایی محتوا و روایی سازه (تحلیل عاملی) و اعتبار (محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و عامل‌ها) بودند. در نتایج تحلیل عاملی ۴ عامل شناسایی شدند که عبارتند از: حمایت عاطفی (هیجانی)، حمایت اطلاعاتی، جستجوی حمایت و حمایت ابزاری. اعتبار این پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۷ بدست آمد. با در نظر گرفتن نتایج این پژوهش می‌توان گفت که این پرسشنامه از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار است و عوامل بدست آمده از تحلیل عاملی می‌توانند حمایت اجتماعی خانواده را به‌گونه‌ای مناسب اندازه‌گیری کنند.

کلیدواژه‌ها: اعتباریابی، رواسازی، پرسشنامه حمایت اجتماعی، بیماران مزمن

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر
خشونت‌دیدگی زنان در جریان زندگی زناشویی
(مطالعه موردی کارمندان و کارکنان دانشگاه آزاد شهر تهران)

**A Sociological Study on the Effect of Social-Economic Status
of Violence Against Women During Marital life
(Case Study: Employees and Staff of Azad University of Tehran)**

A. Tavasoli, Ph.D.

دکتر افسانه توسلی ✉

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا

S. Monirifar

سارا منیری‌فر

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

دریافت مقاله: ۸۸/۴/۳۰
دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۰/۲۸
پذیرش مقاله: ۸۸/۱۱/۱۳

Abstract

The study aims on “violence against women” during marital life from a sociological point of view. Assumptions are based on the perspective of three theoretical views including Sources Theory, Learning Theory and Conflict theory. The study population includes academic and non-academic staff of Azad University of Tehran in 1387-1388.

چکیده:

تحقیق حاضر به بررسی جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان در جریان زندگی زناشویی می‌پردازد. بر همین اساس فرضیاتی از سه دیدگاه منابع، نظریه یادگیری و نظریه تضاد استنتاج شده است. روش تحقیق به صورت پیمایشی بوده و واحد تحلیل آن فرد می‌باشد. جامعه آماری شامل کارگران، کارمندان و اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد شهر تهران در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸ است. در این تحقیق انتخاب نمونه‌ها از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای صورت گرفته است.

✉ Corresponding author: Vanak-Dehe Vanak Al-zahra University Faculty of Social Sciences and Economics Department of Women and Family Studies Afsaneh Tavassoli Phd
Tel: +9821- 88058491
Fax: +9821-88058490
Email: afsantava@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: ونک، ده ونک، دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم اجتماعی اقتصادی گروه مطالعات زنان و خانواده
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۵۸۴۹۱ دورنما: ۰۲۱-۸۸۰۵۸۴۹۰
پست الکترونیکی: afsantava@yahoo.com

The sample size consists of 533 married women, who were selected through the year multistage cluster sampling? The results show that variables such as woman decision making in important situations of life, women experience of observation violence in family of origine, men experience of violence in family of origine, women family support, women social-economic status, and social-economic status differences between men and women have significant relationship with violence. However, there was no significant relationship between men family support and social-economic status and violence. Final results show that in these three groups the most violence rate against women is among non-academic and the least is among staff. Also higher social-economic status of women compared with their husbands is related to higher rates violence against wives.

KeyWords: violence against women, violence experience, violence observation, social-economic status, marital life, family support.

حجم نمونه برابر ۵۳۳ نفر از زنان متأهل می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها، در دو سطح (آمار توصیفی و آمار استنباطی) انجام گرفته است. نتایج حاصله نشان داد که متغیرهای تصمیم‌گیری زن در امور مهم زندگی، تجربه و مشاهده خشونت زن در خانواده پدری، تجربه و مشاهده خشونت مرد در خانواده پدری، حمایت خانوادگی زن، پایگاه اقتصادی اجتماعی زن و تفاوت پایگاهی بین زن و مرد رابطه معناداری با خشونت دارند و بین حمایت خانوادگی مرد و پایگاه اقتصادی اجتماعی مرد و خشونت رابطه معناداری وجود ندارد. نتیجه کلی این است که بیشترین خشونت از سوی همسر در میان کارگران و کمترین میزان آن در میان کارمندان برآورد شده است.

کلیدواژه‌ها: خشونت‌دیدگی، خشونت علیه زنان، تصمیم‌گیری در امور مهم، مشاهده و تجربه خشونت، فراگیری خشونت، حمایت خانوادگی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی

ازدواج از نگاه دختران نوجوان مبتلا به دیابت: یک تحقیق کیفی

Diabetic Adolescent Girls' Perspective on Marriage: a Qualitative Study

F. Ahmadi, Ph.D.

M. Hemati Maslakpak, MS.c.

M. Anoosheh, Ph.D.

E. Hajizadeh, Ph.D.

A. Rajab, M.D.

دکتر فضل‌ا... احمدی ✉

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی

معصومه همتی مسلک پاک

دانشجوی دکترای پرستاری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی

دکتر منیره انوشه

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی

دکتر ابراهیم حاجی‌زاده

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی

اسد... رجب

متخصص غدد، رئیس انجمن دیابت ایران

دریافت مقاله: ۸۸/۱/۱۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۹/۱

پذیرش مقاله: ۸۸/۱۰/۱۲

Abstract

Chronic diseases like Diabetes affect quality of life, family relations, marriage and sexual relations. Diabetes Mellitus may afflict men and women equally, but the suffering associated with the disease when it appears in an adolescent girl will have disastrous impact on her life.

چکیده:

بیماری‌های مزمن از جمله دیابت می‌توانند اثرات قابل ملاحظه‌ای را بر کیفیت زندگی روزمره مانند ارتباطات خانوادگی، ازدواج و ارتباطات زناشویی داشته باشند. اگرچه تأثیر دیابت در زندگی هر دو جنس مشهود است ولی این تأثیر در تمام جوانب زندگی یک دختر نوجوان برجسته‌تر می‌باشد.

✉Corresponding author: Tarbiat Modares University, Medical Sciences Faculty, Tehran, Iran.

Tel: +9821-82883553

Fax: +9821-82884555

Email: ahmadif@modares.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، پل نصر، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده

علوم پزشکی

تلفن: ۸۲۸۸۳۵۵۳ - ۰۲۱ دورنما: ۸۲۸۸۴۵۵۵ - ۰۲۱

پست الکترونیکی: ahmadif@modares.ac.ir

The aim of the study was to explore Iranian diabetic adolescent girls' perspective on marriage problems.

A qualitative design using content analysis was applied including unstructured interviews conducted on 28 adolescent girls, aged 13 to 18, with type I diabetes. The participants were recruited through purposeful sampling of "West Azerbaijan Diabetes Association" members' as well as some patients from Uremia city hospitals. Qualitative content analysis demonstrated three original categories related to marriage problems: 1- Adolescents attitude toward negative effects of diabetes 2-Social and family negative attitude toward diseases 3-psychological issues. Also it was shown that the cultural habits and attitudes can change, and the marriage problems among adolescent girls are decreased by developing coping strategies in adolescents and providing suitable interventions.

KeyWords: Type I Diabetes Mellitus, Adolescence Girls, Marriage Problems, Qualitative research.

هدف این مطالعه تبیین مشکلات ازدواج و تشکیل خانواده از دیدگاه دختران نوجوان مبتلا به دیابت است. در این مطالعه کیفی، تعداد ۲۸ دختر نوجوان، بین ۱۳-۱۸ سال، مبتلا به دیابت نوع ۱ مراجعه-کننده به انجمن دیابت آذربایجان غربی و درمانگاه-های بیمارستان‌های شهر ارومیه با روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف مورد مطالعه قرار گرفتند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه عمیق انفرادی و گروه‌های متمرکز و تجزیه و تحلیل به روش تحلیل محتوا انجام شد.

یافته‌های بدست آمده از تحلیل محتوا نشان داد که مشکلات ازدواج از دیدگاه دختران مبتلا به دیابت متأثر از سه عامل نگرش دختر نوجوان نسبت به تأثیر نامناسب بیماری، نگرش خانواده و جامعه نسبت به بیماری و مسائل روان‌شناختی می‌باشد. با توجه به این‌که جوامع مختلف دارای نگرش‌ها و باورهای متفاوتی هستند که تغییر دادن آن‌ها مشکل و نیاز به زمان داشته و از سوی دیگر با توجه به ماهیت مزمن دیابت، نگاه جامعه و خانواده به بیماری دیابت، ویژگی‌های سنی نوجوانان و با توجه به این‌که در حال حاضر در کشور ما احتمال ازدواج در این رده سنی وجود دارد و از آنجایی که مشکلات ازدواج و تشکیل خانواده دختران نوجوان مبتلا به دیابت مربوط به عوامل متعددی می‌باشد، انجام مداخلات مناسب و اصلاح الگوهای سازگاری در این نوجوانان ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: دیابت نوع ۱، دختران نوجوان، مشکلات ازدواج، مطالعه کیفی

بررسی رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان
راهکارهایی برای پیشگیری از جرم در محیط خانواده

**Risk-taking Behaviors among Adolescents:
the Strategies to Prediction Crimes Commitment**

A. Zadeh Mohammadi, Ph.D. ✉

دکتر علی زاده محمدی ✉

عضو هیأت علمی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

Z. Ahmad Abadi

زهرا احمدآبادی

کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی از دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۷/۱۱/۱۲

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۵/۱۵

پذیرش مقاله: ۸۸/۱۲/۲۲

Abstract

Adolescents take risky behaviors from early through middle of the period which significantly drops by the late adolescence. A random selected sample of 1204 students completed Risk-taking Scale measuring 7 risky behaviors such as violation, smoking, drug use, alcohol drinking, and sexual relations. In addition, School Connection Questionnaire and FACES-III were used.

چکیده:

درک خطرپذیری نوجوان به عنوان اقتضای قابل انتظار این دوره سنی و نه به عنوان رفتاری انحرافی و مجرمانه، امکان شناخت و پیشگیری از بروز جرم را در نوجوانان واقع بینانه تر و عملی تر می‌سازد. در این تحقیق فرض شده است که بین محیط خانوادگی و شیوه‌های فرزندپروری و ویژگی‌های زمینه‌ای فردی و خانوادگی با خطرپذیری (سیگار کشیدن، مواد مخدر و روان گردان، الکل، رانندگی خطرناک، خطرپذیری جنسی و خشونت) رابطه وجود دارد.

✉ Corresponding author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University (G. C.)
Tel: +9821- 22431814
Fax: +9821-29902368
Email: dr_zadeh@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۲۱- ۲۲۴۳۱۸۱۴ - ۰۲۱ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸
پست الکترونیکی: dr_zadeh@sbu.ac.ir

Results indicated that perceived family cohesion was correlated with decreased risky behaviors, and perceived family adaptability in boys was significantly associated with increased violence and substance use. Those adolescents who perceived their parents as authoritative had a lower risk-taking and those who perceived their parents as neglectful or permissive were found to engage in risky behaviors more frequently. The adolescents' perception of the parents demanding behaviors, as associated with authoritative style parenting, was found to be a strong predictor of the risky behaviors. Mother's high education and family economic well-being are significantly associated with permissive mother's parenting which may be associated with high risk behaviors increase.

KeyWords: Risk-taking, Adolescence, Commitment of Crimes.

بنابراین از مقیاس‌های معتبر و هنجار شده در ایران یعنی پرسشنامه‌های خطرپذیری نوجوانان ایرانی، محیط خانوادگی و دموگرافیک برای سنجش متغیرها استفاده شد. با انتخاب ۱۲۰۴ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران با روش نمونه‌گیری تصادفی متناسب با حجم، فرضیه‌های فوق آزمون گردید.

بر اساس یافته‌های این تحقیق میانگین خطرپذیری نوجوانان تحت شیوه تربیتی اقتدارگرا پایین‌تر و میانگین شیوه تربیتی مسامحه‌کار بالاتر از سایرین بود. در تعیین خطرپذیری رانندگی خطرناک و دوستی با جنس مخالف، سهم متغیرهای کنترلی بیش از متغیرهای گرمی بود. اما در مؤلفه‌های خشونت، سیگار، مواد مخدر، الکل و رابطه و رفتار جنسی میزان تعیین‌کنندگی متغیرهای صمیمیت مثل طرد، تأیید و ابراز محبت بر کنترل پیشی گرفته بود. پایه تحصیلی (دوم) و جنسیت (پسر)، در پیش‌بینی واریانس خطرپذیری دوستی با جنس مخالف و رابطه و رفتار جنسی معنادار بودند. معدل ترم قبل در تبیین تغییرات خشونت، الکل و دوستی با جنس مخالف سهمی منفی و معنادار داشت. سطح پایین اقتصادی خانواده در پیش‌بینی رانندگی خطرناک تأثیری منفی نشان داد.

با شناخت فاکتورهای تأثیرگذار مربوط به خانواده بر خطرپذیری، راهکارهای اجرایی و عملی در سطح خانواده برای کاهش این‌گونه رفتارها در میان نوجوانان ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری، خطرپذیری، خانواده، شیوه‌های فرزندپروری، نوجوان.

بررسی تأثیر ساختار خانواده و حمایت اجتماعی در خودکشی دانشجویان

An Investigation on the Role of Family and Social Factors on Suicide of University Students

A. Moradi, Ph.D.

S. Akbari ZardKhaneh

F. Cheraghi

Kh. Foladvand

دکتر علیرضا مرادی ✉

دانشیار روان‌شناسی بالینی

سعید اکبری زردخانه

دانشجوی دکترای سنجش و اندازه‌گیری دانشگاه علامه طباطبایی

فرشته چراغی

دانشجوی دکترای روان‌شناسی دانشگاه تربیت معلم

خدیجه فولادوند

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه تربیت معلم

دریافت مقاله: ۸۸/۸/۲۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۹/۳۰

پذیرش مقاله: ۸۸/۱۰/۱۲

Abstract

The present study investigates the causes and factors of university students suicide.

A sample of university students who attempted swiced (n = 96) and non-suicidal ones (n=96) were selected. Information was collected using Family Performance Scale and Multidimensional Scale of Perceived Social Support. Data was analyzed using t-test.

چکیده:

شناسایی عوامل خطر مؤثر در خودکشی دانشجویان می‌تواند زمینه لازم را برای اعمال مداخلات مناسب با هدف پیشگیری و کنترل پدیده خودکشی فراهم نماید. پژوهش حاضر به بررسی عوامل خطر خانوادگی و اجتماعی مؤثر در خودکشی دانشجویان پرداخته است. در این پژوهش ۹۶ نفر (۵۰ زن و ۴۶ مرد) دانشجوی اقدام کرده به خودکشی با ۹۶ نفر (۵۰ زن و ۴۶ مرد) دانشجوی سالم شرکت داده شدند.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology Teacher's Training University, Tehran, Iran.

Tel: +9821-88848938

Fax: --

Email: Moradi90@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: خیابان مفتح، خیابان خاقانی، ساختمان سمیه

طبقه ۸ گروه روان‌شناسی، کدپستی ۱۵۶۱۴، شماره ۴۹، دانشگاه

تربیت معلم

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۴۸۹۳۸ - دورنما: --

پست الکترونیکی: Moradi90@yahoo.com

there was a significant difference between groups in eight subscales of Family Performance and in all subscales of Social Support. It was found that subscales of family cohesion, expressiveness, sociability and family idealization in suicidal attempted students was lower than non-suicidal attempted students. Also, Conflict, discord, intellectual/cultural orientations and enmeshment level in suicidal attempted students is higher than non-suicidal attempted students. Social support in different forms (family, friends, special person) revealed as a protective factor in suicidal behaviors

KeyWords: Student, Suicidal Attempted, Family Performance, Perceived Social Support.

ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های عملکرد خانواده و حمایت اجتماعی ادراک شده بود. داده‌ها با استفاده از آزمون t و تحلیل رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج نشان دادند که دو گروه در هشت خرده مقیاس عملکرد خانواده و همه خرده‌مقیاس‌های حمایت اجتماعی تفاوت معناداری دارند. میزان همبستگی خانوادگی، ابراز وجود، جامعه‌پذیری و آرمان خانوادگی در اقدام‌کنندگان به خودکشی پایین‌تر از افرادی است که اقدام به خودکشی نداشته‌اند. همچنین میزان تعارض، گسستگی، گرایش‌های فرهنگی - عقلانی و درهم تنیدگی در اقدام‌کنندگان به خودکشی بالاتر از افرادی است که اقدام به خودکشی نداشته‌اند. حمایت‌های اجتماعی در اشکال مختلف آن از عوامل محافظت‌کننده در برابر رفتارهای خودکشی‌گرایانه به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: دانشجو، اقدام به خودکشی، عملکرد خانواده، حمایت اجتماعی ادراک شده

اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای به مادران بر بهبود عملکرد خانواده آنان

The Effectiveness of Transactional Analysis Training on Mothers to Improve Their Family Function

B. Javady, M. A. ✉

S. Hosseinian, Ph.D.

A. Shafiabadi, Ph.D.

✉ بهناز جوادی

کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی از دانشگاه علوم و تحقیقات

دکتر سیمین حسینیان

دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا (س)

دکتر عبدالله شفیع آبادی

استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت مقاله: ۸۸/۲/۲۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۶/۲۲

پذیرش مقاله: ۸۸/۸/۱۵

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effectiveness of transactional analysis training on mothers to improve their family function. A semi-experimental method was applied in this research. Statistical population consisted of all mothers of girl students in the state girl's high schools of the second district in Tehran. 50 mothers were selected through combination of cluster and

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای به مادران بر بهبود عملکرد خانواده آنان بوده است. روش پژوهش، نیمه تجربی بود. جامعه آماری شامل کلیه مادران دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های بزرگ دولتی منطقه دو شهر تهران بود که از طریق ترکیبی از روش نمونه‌گیری تصادفی و خوشه‌ای ۵۰ نفر (برای دو گروه ۲۵ نفری آزمایش و گواه) انتخاب شده و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند.

✉Correspornding author: Private Practice

Tel: +98-09111149992

Fax: +9821- 88257346

Email: behnaz_amal970@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران، کوی نصر، خیابان سیزدهم، اداره آموزش

و پرورش منطقه ۲، واحد مشاوره

تلفن: ۰۹۱۱۱۱۴۹۹۹۲ - دورنما: ۸۸۲۵۷۳۴۶

پست الکترونیکی: behnaz_amal970@yahoo.com

random sampling methods, divided randomly into two groups of 25 members called experimental and control, which assigned into two control and experimental groups.

Family assessment device (FAD) questionnaire, were filled at pre-test and post-test. The analysis of covariance test was carried out using SPSS software.

The results of the research show that this method is effective for improving the family function of the mothers. It means, transactional analysis training improves their "roles", "problem solving" and "affective responsiveness".

KeyWords: Transactional analysis, Family Function, mothers.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه سنجش خانواده (FAD)، می‌باشد که به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون مورد استفاده قرار گرفت. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس به وسیله نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش نشان دادند که این روش بر بهبود عملکرد خانواده مادران مؤثر می‌باشد. بدین معنا که آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای، «نقش‌ها»، «حل مسئله» و «ابراز عواطف» آنان را بهبود می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل ارتباط محاوره‌ای، عملکرد خانواده، مادران

بررسی اثر کوتاه‌مدت آموزش برنامه فرزندپروری مثبت (3P) بر تغییر شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای

Investigating Short-Term Triple P-Positive Parenting Program Effectiveness in Modification of Parenting Styles of Mothers of Children with Oppositional Defiant Disorder (ODD)

E. Pour Ahmadi, M. A.

الناز پورا احمدی ✉

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی بندر گز

M. Jalali, M. A.

محسن جلالی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی بندر گز

M. A. Shaeiri, Ph.D.

دکتر محمدرضا شعیری

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شاهد

K. Tahmassian, Ph.D.

دکتر کارینه طهماسیان

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۸/۲/۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۶/۱۸

پذیرش مقاله: ۸۸/۸/۱۵

Abstract

The purpose of the study was to investigate the effectiveness of the short-term triple p-positive parenting program in modification of parenting styles of mothers of children with oppositional defiant disorder (ODD). Four schools were randomly selected from schools of Nahavand city. 27 mothers whose children had received scores above of cut-off points on

چکیده:

پژوهش حاضر جهت بررسی تأثیر کوتاه‌مدت آموزش مدیریت والدین بر اساس برنامه فرزندپروری مثبت (3P) بر تغییر شیوه‌های فرزندپروری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای انجام شده است. این مطالعه از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه است و جامعه مورد مطالعه آن دانش‌آموزان پسر ۷ تا ۱۰ ساله دبستان‌های پسرانه شهرستان نهاوند می‌باشند.

✉Corresponding author: Islamic Azad University, Bandar Gaz, Golestan
Tel: +98912-4358711
Fax: ---
Email: empj1359@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: استان گلستان، بندر گز، دانشگاه آزاد اسلامی
تلفن: ۰۹۱۲۴۳۵۸۷۱۱
پست الکترونیکی: empj1359@yahoo.com

oppositional defiant disorder subtest of Child Behavioral Checklist (CBCL) and their problems were also confirmed by the Teacher Report Form (TRF) were selected. Parenting styles questionnaire was administered to the mothers. A sum of 22 mothers that had ineffective parenting styles were randomly selected and allocated to the experimental and control groups. Experimental group received Triple-p for 8 weekly sessions each lasted for two hours. Upon the completion of the training, the parenting style questionnaire was administered as a post-test to both groups of mothers. Data obtained from this study was analyzed using the Mann-Whitney U procedure. The results indicated that there is a significant difference between the experimental and control groups after the training. The experimental group reported a significant decrease in authoritarian and permissive parenting styles ($p < 0/01$) and significant increase in authoritative parenting style ($p < 0/05$).

Parenting styles impacted the development of prolem behaviors in childrens with oppositional defiant disorder. The results of this research suggest that the triple p-positive parenting program is helpful for modification of effectless parenting styles of mothers of childrens with oppositional defiant disorder.

KeyWords: positive parenting program, oppositional defiant disorder, parenting styles.

نمونه‌گیری در دو مرحله انجام شد. ۳۰ نفر از مادران کودکانی که بر اساس سیاهه رفتاری کودک (CBCL) و فرم گزارش معلم (TRF)، مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای (ODD) تشخیص داده شده بودند، انتخاب و شیوه فرزندپروری آنها با استفاده از پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری دینا باومریند مورد ارزیابی قرار گرفت. در نهایت ۲۲ نفر از مادرانی که دارای شیوه فرزندپروری ناکارآمد بودند انتخاب و به دو گروه آزمایش ($n=12$) و گواه ($n=12$) تقسیم شدند. سپس برنامه فرزندپروری مثبت به مدت ۲ ماه در ۸ جلسه آموزشی ۱۲۰ دقیقه‌ای برای آزمودنی‌های گروه آزمایش اجرا شد. در طول دوره آموزش، ۳ نفر از مادران گروه آزمایش از شرکت در جلسات خودداری کردند، ولی تعداد افراد گروه گواه ثابت ماند. شیوه‌های فرزندپروری مادران دو گروه، بلافاصله پس از پایان جلسات آموزشی، مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفت. در نهایت نتایج بدست آمده توسط آزمون U من‌ویتنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. مقایسه میانگین تفاضل نمرات پیش‌آزمون - پس‌آزمون شیوه‌های فرزندپروری در دو گروه آزمایش و گواه نشان داد که شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه مادران گروه آزمایشی پس از پایان جلسات آموزش برنامه فرزندپروری مثبت، با توجه به تغییرات پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون، کاهش یافته ($P < 0/01$). در مقابل شیوه فرزندپروری مقتدرانه در گروه آزمایش نسبت به گواه افزایش یافته است ($P < 0/05$). این نتایج نشان می‌دهند که آموزش برنامه فرزندپروری مثبت، شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد مادران کودکان مبتلا به نافرمانی مقابله‌ای را تغییر می‌دهد. با توجه به این‌که روابط معناداری بین شیوه فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای و بروز، شدت و تداوم بیماری کودکان وجود دارد، لذا با آموزش برنامه‌هایی که شیوه فرزندپروری والدین را مورد هدف قرار می‌دهند، می‌توان مشکلات رفتاری کودکان را کاهش داد.

کلیدواژه‌ها: برنامه فرزندپروری مثبت، شیوه فرزند-پروری، اختلال نافرمانی مقابله‌ای.

اثربخشی درمان شناختی - رفتاری وسواس مادران
بر افسردگی کودکان آنها

The Efficacy of Cognitive Behavioral Therapy on Mothers
with Obsessive-Compulsive Disorder and on their
Children's Depression

Z. Sarrami, M. A.

H. T. Neshat Doost, Ph.D.

Sh. Amiri, Ph.D.

H. Molavi, Ph.D.

Sh. Akochekiyan, Ph.D.

✉ زهرا صرّامی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه اصفهان

دکتر حمید طاهر نشاط‌دوست

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر شعله امیری

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر حسین مولوی

استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر شهلا آکوچکیان

استادیار گروه روان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

دریافت مقاله: ۸۷/۸/۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۷/۲۶

پذیرش مقاله: ۸۸/۱۰/۱۲

Abstract

The purpose of this study was to examine the efficacy of cognitive-behaviour therapy of maternal obsessive-compulsive symptom on their children depression.

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر درمان شناختی - رفتاری وسواس مادران بر کاهش افسردگی کودکان آنها انجام شده است. به این منظور ابتدا به روش نمونه‌گیری تصادفی یکی از نواحی پنج‌گانه

✉Correspornding author: Esfahan, Chaharbagh Paean Av., Jami St., Shahid Pourabedin Al., N. 17.
Tel: +98311-3379579
Fax:--
Email: z110s110f@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: اصفهان، خ چهارباغ پایین، خ جامی، کوچه شهید پورعابدین، پلاک ۱۷
تلفن: ۰۹۳۶۶۱۶۳۶۷۹، ۰۳۱۱-۳۳۷۹۵۷۹
دورنما: --
پست الکترونیکی: z110s110f@yahoo.com

Therefore, one of the fifth educational regions of Isfahan and two elementary school of this region were randomly selected.

Then 260 student's mothers in grade one and two were asked to complete Moudzly Obsessive-Compulsive Inventory (MOCI) and Ontario Child Health Scale (OCHS). The result of Pearson correlation showed a correlation of 0.49 between mother's obsession and her child depression. This correlation was significant at the level of 0.01 (2-tailed). In the second step 40 mothers with highest MOCI score were interviewed. As a result 32 mothers received the diagnosis of OCD. These subjects were randomly divided into two experimental and control groups. The 8 cognitive-behaviour therapy sessions of 90 minutes addressing parenting styles, "perfectionism" a cause of anxiety, relaxation, logical errors, challenging thoughts, exposure and response prevention (E/RP) were conducted during one month on the experimental group. The control group received no intervention. The MOCI and OCHS scores were taken at pre-test and post-test. One month later they were followed-up using the same scales. The results of analysis of covariance showed that symptoms of maternal OCD in the experimental group was significantly reduced in comparison to the control group in post-test and follow-up phases ($p < 0.0001$). The mean score of child depression didn't decrease significantly in comparison to the control group at post-test ($P = 0.118$), but it was decreased in the follow-up phase ($P = 0.012$).

KeyWords: Obsessive-Compulsive Disorder, Anxiety, Opposition Deficient, C-cognitive-Behavioral Therapy.

استان اصفهان انتخاب و سپس به همین روش دو دبستان از این ناحیه برگزیده شدند به مادران ۲۶۰ دانش‌آموز کلاس اول و دوم، پرسشنامه وسواس مادزلی و مقیاس سلامت روانی کودک انتاریو (جهت سنجش افسردگی کودک) داده شد.

تحلیل نتایج در مرحله اول، همبستگی ۰/۴۹ و معناداری را در سطح ۰/۰۱ بین وسواس مادر و اختلالات رفتاری کودک نشان داد. در مرحله دوم از میان کل آزمودنی‌ها ۴۰ نفر از افرادی که بالاترین نمره را در سیاهه وسواس مادزلی کسب کرده بودند، انتخاب و مورد مصاحبه تشخیصی قرار گرفتند. از این افراد، ۳۲ نفر که بر اساس ملاک‌های تشخیصی چهارمین ویرایش راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSMIV) واجد علائم وسواس، تشخیص داده شدند به طور تصادفی در دو گروه ۱۶ نفری آزمایش و کنترل جایگزین گردیدند. نمرات اولیه آزمودنی‌ها در دو مقیاس نام‌برده، به عنوان نمره پیش‌آزمون در نظر گرفته شد. گروه آزمایش، در مدت یک‌ماه، ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای درمان شناختی - رفتاری گروهی شامل آرام سازی عضلانی، شناخت خطاهای منطقی، چالش با افکار، مواجهه و جلوگیری از پاسخ را دریافت نمود. بعد از پایان جلسات درمانی، پس‌آزمون بر روی دو گروه اجرا شد. یک ماه بعد از اجرای پس‌آزمون نیز آزمون پیگیری انجام گرفت. تحلیل کوواریانس نتایج نشان داد که علائم وسواس مادران گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در مراحل پس‌آزمون و پیگیری به طور معناداری کاهش یافته است ($P < 0.0001$). افسردگی کودکان گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون تفاوت معناداری نسبت به گروه کنترل نداشت ($P = 0.118$)؛ اما در مرحله پیگیری، نمرات گروه آزمایش کاهش معناداری نسبت به گروه کنترل نشان داد ($P = 0.012$).

کلیدواژه‌ها: اختلال وسواس، اجبار، افسردگی کودک، درمان شناختی - رفتاری گروهی.